

● دکتر مسعود ناجی

مقدمه :

در این کتاب ۲۵ گزارش مستند از رویدادهای ماوراءطبیعی (۱) یا پدیده‌های فراطبیعی (۲) گردآوری شده است. به لحاظ فلسفی ماوراءالطبیعه با مابعدالطبیعه یا متافیزیک (۳) تفاوت دارد که موضوع بحث ما در این نقد نمی‌باشد (۴) [۱] ناشر و مترجم مشخص نموده‌اند که مجموعه مشهورترین‌های جهان بطور کلی چند جلد می‌باشد (۵) اما به نظر می‌رسد عناوین‌های سایر مجلدات آن چنین باشد: مشهورترین حوادث جهان و مشهورترین فاجعه‌های جهان هر دو، اثر ماسترام کاپور، مشهورترین ماجراهای جهان اثر کوماردوبی و مشهورترین ثروتمندان جهان از فقر تا ثروت اثر مورتی.

پدیده‌هایی که علم تاکنون به ماهیت آنها پی نبرده است، فراطبیعی یا فراهنجار نامیده می‌شوند. بررسی این پدیده‌ها در علم فراروانشناسی (۶) انجام می‌گیرد. در این علم زبده‌ترین دانشمندان باروشهای دقیق و پیچیده علمی، بررسی این پدیده‌ها تحقیق می‌نمایند و آنها را از پدیده‌های قابل توجیه علمی جدا می‌نمایند. و به طبقه بندی آنها می‌پردازند تا به کشف نهایی فرضیه‌ای منجر شود که بتوان این رویدادها را توجیه نمود. ایوون کاستلان (۷) یکی از محققان و نویسندگان کتب علوم روحی در نتیجه‌گیری کتاب خود با نام فراروانشناسی در این مورد چنین می‌نویسد: «کشف نهایی این فرضیه تنها در گرو جستجوی چیزهای نوین است. در تاریخ علم به کرات دیده شده است که تحقیق در امور نوینی که از طریق شناخته‌ها غیر قابل توضیح بوده‌اند، به کشف جنبه‌های پیش‌بینی نشده‌ای از هستی منتهی شده است.» (۸) [۲]

سوخدف پراساد در این کتاب امور ناشناخته بسیار متنوعی را معرفی می‌نماید. اما آیا تاچه حد موفق شده است، پیشرفتی در علوم ماوراءالطبیعه خوانندگان ایجاد نماید سوالی است که باید پس از بررسی گزارشهای مستند او به آن پاسخ داد.

انواع پدیده‌های فراطبیعی

اگر خوانندگان بخواهند بر روی گزارش‌های این کتاب تحقیق بیشتری نمایند و یا بخواهند آنها را با یکدیگر مقایسه نمایند. مسلماً سردرگم خواهند شد، چون گزارشهای این کتاب ترتیب بندی صحیحی ندارد. بهمین دلیل نگارنده آنها را از ابتدا تا انتها شماره‌گذاری نموده و گزارشهای مشابه را باهم در یک دسته، مورد بررسی قرار داده است تا خوانندگان لااقل به نام و نوع پدیده‌ای که در گزارشی رخ داده است آشنایی پیدا نمایند.



# پدیده‌های فراطبیعی

- مشهورترین اسرار ماوراء طبیعی جهان
- به قلم: سوخدف پراساد، ترجمه، محمدرضا رخشانفر
- تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی چکاد، ۱۳۷۸
- ۲۰۸ ص، ۷۵۰۰ نسخه، ۸۰۰ تومان

چکیده:

در این مقاله پدیده‌های فراطبیعی در ۲۵ گزارش کتاب مشهورترین اسرار ماوراء طبیعی جهان، مورد نقد قرار می‌گیرد تا علاقه‌مندان به علوم غریبه، بیشتر با این پدیده‌ها آشنا شوند. در این نقد علاوه بر اینکه نگارنده از تجارب شخصی خود برای تحلیل گزارشها و طبقه‌بندی آنها استفاده کرده، سعی نموده از کتبی در این زمینه کمک بگیرد که بطور علمی این پدیده‌ها را بررسی نموده‌اند و هیچگونه مبالغه‌ای در نقل آن بکار نبرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت پس از خواندن این مقاله خوانندگان با منابع خوب علمی در این زمینه نیز آشنایی پیدا می‌نمایند، هر چند منابع جدیدتر و بهتری نیز در بازار موجود می‌باشد که علاقه‌مندان می‌توانند برای تحلیل گزارشها به آنها نیز مراجعه نمایند.

نگارنده پس از مقدمه انواع پدیده‌های فوق طبیعی را طبقه‌بندی نموده و بطور مختصر مهمترین پدیده‌های مربوط به هر دسته را تعریف نموده است، تا علاقه‌مندان به تشابه این پدیده‌ها پی برده و درک صحیحی از علت‌های متفاوتی که تا به امروز برای آنها برشمرده شده است، داشته باشند. در ادامه مقاله قبل از تحلیل گزارشها، شماره گزارشها مشابه آورده شده است تا خوانندگان برای اطلاع بیشتر از موضوع به اصل کتاب مراجعه نمایند و در پایان مقاله از کل تحلیلهای بعمل آمده نتیجه‌گیری شده است که کتاب مزبور برای ارتقاء علمی علاقه‌مندان مناسب نمی‌باشد و تنها می‌تواند قدرت تخیل بسیاری از خوانندگان را بطور سریع و کاملاً بی‌نظم تحریک نماید. در نتیجه‌گیری این موضوع نیز مورد بررسی قرار گرفته است که تخیل موهبتی است برای کشف علت پدیده‌های جدید به شرطی که بتوانیم آنها را کنترل کنیم نه اینکه بصورت هیجانان روحی هدر دهیم.



پدیده‌های فراطبیعی در علم فراروانشناسی بر دو دسته تقسیم می‌شوند دسته اول پدیده‌هایی که ادراکات فوق حسی یا ادراکات فراحسی (ESP) نامیده می‌شوند و شخص با این استعداد خود اطلاعاتی از پیرامونش کسب می‌نماید اما نمی‌تواند بر آن (محیط یا اشخاص) تاثیر فیزیکی بر جای بگذارد. دسته دوم پدیده‌های روان جنبشی (PK)<sup>(۱۰)</sup> نامیده می‌شوند که شخص با این استعداد خود می‌تواند بر محیط و اشخاص پیرامونش (حتی از فواصل خیلی دور) اثر فیزیکی بگذارد. البته در بعضی منابع اعمال روحی (PK) نیز جزو ادراکات فراحسی (ESP) به حساب آمده‌اند که دلیل آنرا همانطور که در مقدمه نیز متذکر شدم می‌توان به ناشناخته بودن ماهیت واقعی این پدیده‌ها مربوط دانست. اسکات روگو در کتاب اثر روان بر ماده که تنها پدیده‌های (PK) را مورد بررسی قرار داده است در این مورد چنین می‌نویسد: «PK دارای تظاهر یا ماهیت جسمی و مادی است، در حالیکه تله‌پاتی و دیگر ادراکات خارج از حسی (ESP) کاملاً مضامینی ذهنی یا روحی به شمار می‌روند. این موضوعات یعنی (ESP, PK) که ماهیتهای متفاوتی دارند، در برخی از موارد به صورت حیرت‌انگیزی با هم تداخل می‌کنند. بنابراین مرزها و طبقه‌بندیهای موجود نمی‌توانند این موضوعات را کاملاً از یکدیگر جدا سازند.»

به هر صورت نگارنده پدیده‌های فراطبیعی این کتاب را بر چهار دسته تقسیم نموده است: دسته اول پدیده‌های ESP. دسته دوم پدیده‌های PK - دسته سوم پدیده‌هایی است که در طبیعت رخ داده است و با هیچگونه شواهدی نمی‌توان آنها را به اشخاص زنده یا مرده یا موجودات ناشناخته دیگری نسبت داد. دسته چهارم پدیده‌هایی هستند که می‌توان آنها را به موجودات ناشناخته پرنده (UFO) نسبت داد.<sup>(۱۱)</sup>

#### دسته اول: ادراکات فراحسی ESP

تله پاتی یا اندیشه خوانی<sup>(۱۲)</sup>، غیب بینی یا روشن بینی<sup>(۱۳)</sup> و سایکومتري یا سیاله‌یابی<sup>(۱۴)</sup> از این دسته به شمار می‌آیند که توضیح هر یک در زیر داده می‌شود.

۱- **تله پاتی** از دو لفظ یونانی یک Tele به معنی دور و دیگری pathos به معنی احساس می‌باشد که در واقع احساس از دور معنی می‌دهد و می‌تواند بصورت دیداری، شنیداری، بویایی، چشایی و لامسه‌ای و یاقط بطور ذهنی صورت گیرد که در اینصورت حس ششم هم گفته می‌شود.

۲- در روشن بینی فرد قادر است وقایع در حال وقوع یاوقایع آینده را حتی از فاصله بسیار دور رویت و احساس

نماید. فرق بین تله‌پاتی با روشن بینی در اینست که تله‌پات اطلاعات خود را از فکر شخص دیگر کسب می‌کند در حالی که روشن‌بین این آگاهی را بدون ارتباط با فکر دیگری بدست می‌آورد. هرچند پروفیسور راین<sup>(۱۵)</sup> معتقد است: این دو نیرو معمولاً با هم ترکیب می‌شوند و به نظر می‌رسد که اینها فقط جنبه‌های یک استعداد فوق طبیعی در انسان باشند. همانطور که الکتریسته ساکن و جاری مختلفند ولی در تجربه نهایی هر دو الکتریسته هستند.<sup>[۲]</sup>

۳- سیاله‌یابی را نیز می‌توان نوعی روشن بینی دانست که روشن بین، با لمس شیئی، حس روشن بینی‌اش تحریک شده و راجع به شخصی که شیء مورد نظر با بدن او تماس پیدا کرده است، اطلاعات مفیدی را می‌دهد. این عمل بیشتر در مورد جنایتکارانی که اشیایی را از خود برجای گذاشته‌اند، انجام می‌شود.<sup>[۳]</sup>

دیدن با چشمان بسته و یا پیش آگاهی یا پیش‌بینی<sup>(۱۶)</sup> نیز جزء همین دسته محسوب می‌شوند.

#### دسته دوم: اعمال روحی PK

تله کینزی یا دور جنبشی<sup>(۱۷)</sup>، عکاسی فکری یا روانی<sup>(۱۸)</sup> و شفابخشی روحی جزء این دسته به شمار می‌آیند.

۱- **تله کینزی** به حرکت اشیاء یا تغییرات فیزیکی دیگری که با فکر و اراده شخص انجام گیرد گفته می‌شود اما اگر همین اعمال فیزیکی بوسیله روان ناخودآگاه ما انجام شود و ما از هنگام وقوع و چگونگی آن با خبر نباشیم به آن سایکوکینتیک خود به خود<sup>(۱۹)</sup> گفته می‌شود PK خودبخود ممکن است به صورتهای زیر صورت گیرد: صداهای عجیب و غریب، ضربه‌هایی که به دیوار یا به اشیاء کوبیده می‌شود، پرواز یا شکستن خود به خود اشیاء. قبلاً چون این اعمال را به ارواح مزاحم یا شرور نسبت می‌دادند به این پدیده‌ها پولترگایست<sup>(۲۰)</sup> نیز می‌گویند. این اغتشاشهای فیزیکی اگر به هنگام مرگ یا قبل از مرگ شخص صورت گیرد به آنها حوادث همزمان با مرگ نیز می‌گویند که باز هم جزء پولترگایست یا PK خودبه خود محسوب می‌شود. علاوه بر حوادث ذکر شده در بالا، توقف و از کار افتادن ساعت نیز می‌تواند جزء حوادث همزمان با مرگ باشد که معمولاً بوسیله روان ناخودآگاه یکی از نزدیکان یا اقوام شخص متوفی که عامل یا کانون خوانده می‌شود انجام می‌گیرد.

بطور کلی پولترگایستهار ۵ نوع طبقه بندی شده‌اند: ضربه زننده (یا کوبنده)، سنگ پران، حمل کننده اشیاء - آب ریز یا آب قشان و آتش افروز

امروز پولترگایستها که طراح و مجری آنها روان ناخودآگاه انسانها شمرده می‌شود از بهترین شواهد فراروانشناسی در مورد PK هستند.<sup>[۴]</sup>

۲- عکاسی از تصاویر ذهنی با سه رویه انجام می‌شود: با چشمها و نگاه کردن به فیلم عکاسی، با گذاشتن فیلم بر روی پیشانی مستقیماً بوسیله مغز و یا بصورت گذاشتن دستها بر روی جعبه‌ای که فیلم عکاسی در آن قرار دارد.

۳- شفابخشی روحی نیز به صورتهای زیر انجام می‌گیرد: از راه نزدیک با تماس دست بر محل آسیب دیده و یا فروردن کل دست در بدن بیمار بدون لوازم جراحی<sup>(۲۱)</sup> و یا از راه دور بوسیله خبر دادن به بیمار روحی و حتی شفا دادن از راه دور بدون اینکه بیمار خود خبر داشته باشد و بدون اینکه شفا دهنده بیمار را بشناسد یا عکسی از او داشته باشد. تله پورتاسیون یا انتقال اجسام از دیوار یا موانع و تولید برق در بدن نیز جزء PK محسوب می‌شود.

#### دسته سوم: پدیده‌های فوق طبیعی در طبیعت

پدیده‌های جوی بدون توضیح علمی، کشته شدن نامعلوم حیوانات، استعدادهای روحی حیوانات، تکان خوردن مرده‌ها و موادی که در طبیعت باعث حوادث فوق طبیعی می‌شوند جزء این دسته محسوب شده‌اند.

#### دسته چهارم: موجودات ناشناخته پرنده UFO

برخورد شاهدان و ناظران این پدیده‌ها بر دو نوع دور (فاصله بیش از ۱۵۰ متر) و نزدیک (فاصله کمتر از ۱۵۰ متر) تقسیم‌بندی می‌شوند.

برخوردهای دور به سه صورت طبقه بندی می‌شوند: ۱- نور شبانه، نورهایی در فاصله دور که حرکتش دائم تغییر می‌کند و نورش کم و زیاد می‌شود.

۲- اشیایی که در فواصل دور دیده می‌شوند.

۳- اشیایی به شکل استوانه، کره یا تخم مرغی یا صفحه گرد دیده می‌شوند.

متداولترین زمان مشاهده یوفوها بدون برخورد درحوالی ساعت ۹ شب می‌باشد.<sup>[۶]</sup> انواع برخورد نزدیک عبارتند از:

۱- **برخورد نزدیک از نوع اول:** اشیایی از فاصله ۱۵۰ متری یا کمتر دیده می‌شوند ولی این اشیاء هیچگونه اثر فیزیکی در محیط از خود برجای نمی‌گذارند.

۲- **برخورد نزدیک از نوع دوم:** اشیایی در کمتر از فاصله ۱۵۰ متر دیده می‌شوند و آثاری همچون علایمی بر روی خاک، شکستن شاخه درختها، سوختن پوشش گیاهی، ترسیدن جانوران، از کار افتادن موتور و رادیوی ماشین و وسایل الکتریکی که علائم اخیر با دور شدن



**PK (اثر روان بر ماده) دارای تظاهر**  
یا ماهیت جسمی و مادی است  
در حالیکه **ESP**  
(تله پاتی و دیگر ادراکات فراحسی)  
کاملاً "مضامینی ذهنی یا روحی"  
به شمار می‌روند

شفابخشی بصورت‌های زیر  
انجام می‌گیرد:  
از راه نزدیک با تماس دست  
یا فرو بردن دست در بدن بیمار  
(جراحی روحی)  
از راه دور با اطلاع بیمار  
یا حتی بدون اطلاع بیمار  
در صورتی که شفا دهنده روحی  
بجز اسم، سن و محل زندگی بیمار  
چیز دیگری از او نمی‌داند

## انرژی برق بنا به دلائل نامعلومی در بدن انسان جریان می‌یابد.

رابشناسد می‌تواند در گذر زمان با این ضمیر پنهان خود ارتباطات زیادتری برقرار کرده و خوابهای پرمحتواتر و روشن‌تری ببیند.

اما در مورد این گزارش ساده داستانی تنها چیزی که می‌توانم بگویم اینست که نویسنده بر اساس چه ملاکهایی آن را یکی از مشهورترین پدیده‌های ماوراءطبیعی به حساب آورده است.

گزارش شماره ۵ (جک، قاتل درنده) در این گزارش ماجرای غیب بینی مشاور روحانی ملکه ویکتوریای انگلستان به نام رابرت جیمز لیز<sup>(۱۲۱)</sup> مورد بررسی قرار گرفته است که منجر به کشف قاتلی شد که از شخصیتی دوگانه برخوردار بوده است. (شخصیت سادسیمی این شخص همواره در نیمه شب بروز می‌کرده است).

برای اینکه خوانندگان تحلیل درستی از چگونگی کشف و کار مشاور روحانی ملکه داشته باشند در زیر پدیده روشن بینی با جزئیات بیشتری از نظر فراروانشناسان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اکثر فراروانشناسان بدن انسان را در سه سطح که دارای سه نظام متفاوت می‌باشد تقسیم بندی نموده‌اند. سطح جسمانی<sup>(۱۲۲)</sup>، سطح اثری<sup>(۱۲۳)</sup> که مسؤوول جذب و پخش انرژی حیاتی در جسم مادی بدن است و نمی‌تواند اثراترک کند و سطح ستاره‌ای<sup>(۱۲۴)</sup> که جایگاه ذهن و روح است.<sup>(۱۲۵)</sup> سطح اثری بوسیله قالب مثالی یا همزاد اثری یا جسد اثری و سطح ستاره‌ای بوسیله کالبد اختری در بدن مستقر شده است.

روشن بینی شفاف و واضح چه در حالت خواب باشد یا بیداری حاصل برون فکنی کالبد اختری است که روشن بین می‌تواند به طور کامل محلهایی را که روان ناخودآگاه او برای کالبد اختری اش انتخاب نموده مشاهده نماید<sup>(۱۲۶)</sup>.

را قوت بخشد اما هیچگونه دلایل قاطعی در مورد این ۶ روح حتی نام آنها چه بوده و در کجا و در چه زمانی می‌زیسته‌اند نیآورده است. به اعتقادنگارنده اگر فرض کنیم که تمام این گزارش صحیح باشد و آرتور غیرمخصص بدون کمکهای پنهانی توانسته باشد بندری را با تمام جزئیات مهندسی اش طراحی نماید بازم نمی‌توان به ارتباط او با ارواح صحنه گذاشت ولی می‌توان قدرت روحی او را در ESP همانند قدرت دانیل هیوم در PK دانست که می‌توانست وزنه‌هایی سنگین‌تر از وزن خود را از فاصله دور با اراده خود براحتی بلند نماید که البته در طول تاریخ چنین اشخاصی بسیارندک شمار بوده‌اند.

گزارش شماره ۴ (خوابی که پرده از روی یک جنایت برداشت). همانند گزارش ۵ بیشتر به داستانها جنایی شبیه است تا علوم ماوراءالطبیعه.<sup>(۱۲۷)</sup> در این داستان خانمی بنام هیوز رویاهای مشابهی را چندین بار مبنی بر قتل دوست صمیمی اش **دریس** می‌بیند که بالاخره او را وادار می‌نماید جهت کشف جنازه او وقاتل به اداره پلیس برود.

روایها بطورکلی بردنوعند: خوابهایی باعمق کم که صاف و شفاف هستند و نیاز به تفسیر و توجیه ندارند. اماهنگامی که عمق خواب ما زیاد است، رویاهای ما حالت مه‌آلود ونمادین دارند. شیوع و فراوانی آنها بیشتر از نوع اول است اما تفسیر صحیح و دقیق آنها نیز مشکل‌تر است.

طبق نظر یونگ سمبولها و علایم و اشیایی که در این رویاها دیده می‌شوند در حقیقت علایمی اختصاری هستند که بیانی جهانی دارند وهر کدام معنی خاصی دارند که بسته به نوع ترکیب این سمبولها، شخصیت و نوع زندگی فرد، تفسیر این سمبولها نیزمتفاوت است. اگر فردی بتواند سمبولها و اشارات خاص ضمیر ناخودآگاه خود

یوفوها از میان می‌روند. ۳- برخورد نزدیک از نوع سوم: دیدن موجودات فضایی.

۴- برخورد نزدیک از نوع چهارم: ارتباط داشتن با موجودات فضایی.

یک درصد از کل گزارشات سالانه یوفوها از نوع چهارم است که این نوع نیز بر چهارنوع تقسیم شده است و ترتیب وقوع آنها برترتیب عبارتند از: نوع الف) ۵۲٪، نوع ب) ۲۶٪، نوع ج) ۱۹٪، نوع د) ۳٪.

تعاریف این چهارنوع واطلاعات آماری بیشتر در زمینه متداولترین زمان هریک از این برخوردها یا بیشترین محل برخورد، جنسیت شاهدان و همچنین تعداد متوسط شاهدان را می‌توانید از دایره‌المعارف شگفتیها، نوشته کیم آندرسون بخوانید. [۶]

### نقد و بررسی گزارشات دسته اول ESP

گزارش شماره ۲ (ارواحی که به آرتور کمک کردند تا شهری را ایجاد کند). در این گزارش شش روح (سه مهندس، یک اقتصاددان، یک نویسنده و یک شاعر) به فردی کمک می‌کنند تا در مدت کوتاهی ثروتی افسانه‌ای بدست آورد و دو روح نویسنده و شاعر نیز به او کمک می‌کنند تا سی کتاب تالیف نماید و شهرت مالی او باشهرت معنوی کامل شود.

این گزارش جزء پدیده‌های پیش‌آگاهی محسوب می‌شود نه ارتباط با ارواح. روان ناخودآگاه هر شخصی که استعداد خدادادی پیش‌بینی را داشته باشد به تنهایی بدون واسطه ارواح می‌تواند راههایی را که منتهی به بدبختی یاخوشبختی فرد می‌شود به او هشدار دهد و این تنها به میزان اهمیت دادن فرد به این هشدارها و شدت نیازش به آنها بستگی دارد. در این گزارش نویسنده خیلی سعی نموده تا این دو نکته را ضعیف جلوه دهد تا ارتباط با ارواح



سیلوان مولدون فراروانشناس، معتقد است تک تک سلولهای جسم در کالبد اختری هم، وجود دارد بنابراین کالبد اختری هم می‌تواند چشم داشته باشد. (بدیهی است طرز کار این چشم با فتوکپی آن در جسم متفاوت است). [۷] اگر تصاویر زیاد واضح نباشد ممکن است روشن بین تنها از طریق ذهن فرد دیگری که در محل حضور دارد بدون حضور کالبد اختری‌اش در آن محل، مشاهده را با تمام جزئیات آن به طور تله پاتی بصری انجام داده باشد. در اینصورت به شخص روشن بین بهتر است تله پات بصری یا فرایاب بصری گفته می‌شود که البته تفکیک این دو از یکدیگر همانند بسیاری از پدیده‌های دیگر روحی بسیار مشکل است و نمی‌توان در آن لحظه مشاهده اتفاقی دقیقاً این مسئله را مشخص نمود اما اگر مشاهده‌کننده علاوه بر محل، قسمتی از کالبد اختری خود را نیز مشاهده نماید آن وقت می‌تواند به روشن بینی اطمینان پیدا کند. در قسمتی از گزارش نوشته شده لیز (مشاور روحانی ملکه) در تمام آن شب (هنگام کشف محل قاتل نیروی مغناطیسی عجیب و نافذ خود را به کار گرفت، تا رهنمایش باشد. امروز در آزمایشات به شدت کنترل شده این مسئله کشف شده است هنگامی که فردی استعداد روحی خود را بروز می‌دهد میدان الکتریسته ساکن بدن وی بسیار قوی شده و انرژی مغناطیسی پیرامون بدنش به شدت افزایش می‌یابد. [۴]

گزارش ۱۵ (خداوندان آب یا آب شناسان الهی). در این گزارش آمده است افرادی هنر پیشگویی وجود آب در زیرزمین را دارند. حتی بعضی از آنها می‌توانند نفت یا هر نوع فلز یا معدنی را در زیرزمین کشف نمایند. (به توانایی تشخیص آب، موادکانی و... در زیرزمین گمانه زنی Downing می‌گویند). تعداد زیادی از این افراد برای استحکام در رای خود از یک ترکیب چوبی یا میله‌های آهنی نازک (مثل رخت‌آویز) و اعصاب فلزی نیز استفاده می‌کنند. با توضیحاتی که در گزارش قبلی مبنی بر اثر نیروهای الکتریکی و مغناطیسی بر کالبد اختری داده شد تحلیل این گزارش نیز روشن می‌شود. در انتهای این گزارش نیز چنین آمده است: «مهندسان توانستند نیروهای

الکترو مغناطیسی که از جریان آب‌های زیرزمینی شروع شده بود و به ترکیب چوبی آقای گراس می‌رسید ثبت کنند» بدیهی است کالبد اختری همه افراد نمی‌تواند این کشف را انجام دهد. بهمین دلیل در یکی از جملات پایانی گزارش نویسنده این سوال را مطرح می‌نماید: «چرا تنها عده کمی از مردم قادرند تابش الکترومغناطیس را درک کنند؟»

گزارش ۱۸ (کسی در آن بالا است) ماجرای خلبانی است که چهاربار، از مرگ حتمی نجات پیدا کرده است. سقوط بدون چتر از هواپیما، خوردن یک آهن ۱۰۰ کیلویی به سرش و ریختن اسید بر بدنش و استنشام گاز کلر با بینی‌اش هیچکدام نتوانسته‌اند او را بکشند. به اعتقاد نگارنده این مسئله می‌توانست در مورد هر کسی که تقدیرالهی حامی او باشد اتفاق بیافتد و ربطی به استعداد روحی ندارد. هر چند ایمان می‌تواند استعداد روحی فرد را به طور وسیعی گسترش دهد. به همین دلیل نویسنده در پایان گزارش نتیجه مناسبی گرفته است:

«بدون شک قدرتی آسمانی و خدایی بایستی او را محافظت کرده و در تمام موارد مراقب او بوده باشد.» نام این گزارش نیز که حاکی از این نتیجه‌گیری است، خوب انتخاب شده است.

گزارش ۱۳ (قدرت فوق طبیعی حیوانات و پرندگان) هفت رویداد از حس ششم و اندیشه خوانی و پیش‌گویی حیوانات مختلف (سگ، گربه و پرندگان) نوشته شده که همگی جزء پدیده‌های ESP محسوب می‌شوند. به نظر می‌رسد مکاتیسم فراروانی این پدیده‌ها نیز همانند ESP در انسانها باشد.

#### نقد و بررسی گزارشات دسته دوم (PK)

برای گزارش ۶ (پریان کاتینگلی) و گزارش ۲۱ (اضافی‌ها در عکس) می‌توان تحلیل مشابهی ارائه داد. بدیهی است در گزارش شش، دختران نوجوان یازده ساله و پانزده ساله قابلیت بیشتری از افراد بالغ برای تجسد جن و پری دارند. بعضی از روح‌گرایان معتقدند ارواح مرده بوسیله کالبد اختری عکاس، این تجسد را انجام می‌دهند. تحلیل دیگری که می‌توان برای این گزارشها انجام داد تحلیلی است که برای گزارش ۲۵ شده است.

گزارش ۲۵ (عکاسی حیرت‌انگیز). در این گزارش شخصی بنام تدسیرپوس<sup>(۳۱)</sup> با تصور کردن تصویری در جلوی چشمانش بدون اینکه آن تصویر تجسد پیدا کند و دیگران هم بتوانند آنرا ببینند، آن تصویر را بر روی فیلم عکاسی منتقل می‌نماید.

نتیجه‌ای که دکتر پول آیزن وود<sup>(۳۰)</sup> از دانشگاه کلراد<sup>(۳۱)</sup> پس از دو سال آزمایشات عکاسی بر روی این فرد به آن اشاره می‌کند چنین است: «پس از اینکه سیرپوس را در معرض هر نوع آزمایشی قرار می‌دادیم و موفق بیرون می‌آمد، ما به این نتیجه رسیدیم که او قادر است از اشیاء دور دست، در فواصلی که دیده نمی‌شوند، از افکار مردم، از موجودات خیالی، حتی بدون دوربین (تنها بوسیله فیلم حساس) عکسبرداری کند.»

به نظر میرسد این نتیجه به تنهایی برای تحلیل گزارشات ۶ و ۲۱ نیز کافی باشد.

گزارش ۷ (دنیای جادویی دانیل هوم). دانیل دون گلاس هوم<sup>(۳۲)</sup> در سال ۱۸۳۳ در نزدیکی ادینبورگ اسکاتلند متولد شد و در سن ۵۳ سالگی در تاریخ ۲۱ ژوئیه ۱۸۸۶ دارفانی را وداع گفت به اعتقاد فراروانشناسان او برجسته‌ترین فرد در PK بود که آزمایشات زیادی توسط زنده‌ترین دانشمندان آن زمان بر روی او انجام شده است. از جمله ویلیام کروکس شیمیدان و کاشف الکترون آرسو نوال فیزیکیان معروف و برنولی مخترع بی‌سیم.

نویسنده در ابتدای این گزارش در مورد هوم چنین می‌نویسد: «نیروی فوق طبیعی خود را از روح‌هایی که با او دوست و صمیمی شده بودند کسب می‌کرد.» در طول این گزارش نیز نویسنده در تمامی حوادث این نکته را بطور ضمنی اشاره نموده است و در پایان گزارش نیز این مسئله را به صراحت چنین بیان می‌کند:

در فوریه ۱۸۵۷ [پس از اینکه او نیروهای روانی‌اش را بیش از حد مصرف کرده بود و دیگر نتوانست PK را انجام دهد] هوم ناگهان احساس کرد که دستی نامرئی بدنش را نوازش می‌کند. سپس صدایی شنید که می‌گفت «دانیل خوشحال باش». پس از آن هوم نیرویی جدید در خود احساس نمود و در سیزدهم همان ماه نمایشی در پیش امپراطور



نوع معاینات پزشکی آدمهای فضایی  
شبیبه به معاینات پزشکی  
زمینی است.  
خون گرفتن از انسان بروبرگرد ندارد.  
درون سفینه‌های آنها بجز دنده  
و دسته و دریچه و سیم  
چیز دیگری پیدا نمی‌شود  
البته چند چراغ چشمک‌زن هست  
حداکثر در حد فیلم جنگ ستارگان



فرایند مومیایی‌سازی پیچیده و دشوار بود، و زیر نظر رهبران مذهبی با انجام کامل مراسم دینی انجام می‌گرفت.

مکانهای بدن نام دروازه‌هایی هستند  
با پوشش اثری  
که موجودات غیرانسانی می‌توانند  
از طریق آنها به درون زندگی ما راه یابند

می‌شود و به استعداد خاصی نیاز ندارد. هرچند برای بعضی از کسانی که در طول عمرشان تنها یکبار این رویداد اتفاق افتاده است آن لحظه برایشان شیرین‌ترین لحظه زندگی به حساب می‌آید و آن لحظه را به چشم یک پدیده عادی نمی‌نگرند.

گزارش ۲۳ (جون نور کوت<sup>(۲۵)</sup>): با برهم‌زدن چشم). جریان کشف قاتل خانمی به نام جون نور کوت آورده شده است. در این گزارش آمده چون مردم به آزمایش لمس اعتقاد داشتند افراد مظنون را وادار به لمس جنازه می‌کنند تا مقتول قاتل خود را نشان دهد. سرانجام مقتول با سه بار چشمک زدن و اعمال سمبولیک دیگری قاتل خود را نشان می‌دهد برای تحلیل این گزارش بهتر دیدم از نظریه یونگ مبنی بر روان ناخودآگاه جمعی بهره ببرم. اگر فرض کنیم که کسی که خاصیت PK قوی داشته برای اولین بار این عقیده را در مردم بوجود آورده باشد و آن‌گاه این عقیده در بین مردم آن محل به مرور زمان قوی شده باشد آن وقت می‌توانیم بگوئیم که روان ناخودآگاه جمعی آنها بطور حتم آن جنازه را حتی اگر خاکستر هم شده باشد هنگام لمس قاتلش تکان خواهد داد. نیروی PK روان ناخودآگاه جمعی مجموع PK تک تک افراد نیست بلکه نیروی تضاعبی بسیار عظیمی است که می‌تواند مرده‌ای را زنده کند یا تمام ابرهای آسمان را به زمین بیاورد. به همین دلیل است که در اسلام نیز علاوه بر خلوص و پاکی افراد به تعداد آنها نیز در هنگام عبادت و دعا تأکید شده است.

گزارش ۱۷ (بان شی): شامل دوسری رویداد است. رویدادهای اول مربوط به حوادثی است که هنگام مرگ چندین نفر از نزدیکان یکی از فروشندگان ایالت بوستون اتفاق افتاده و رویدادهای دوم نیز مربوط به حوادثی مشابه مربوط به یک خاندان اشرافی در شمال اسکاتلند است. تحلیل این گزارش نیز همانطور که در مورد PK

روان خودآگاه هوم انجام می‌دهد به اجرا درآمده باشد. گزارش ۲۴ (راز وجود دوگانه) شامل پنج رویداد می‌شود. رویدادهای اول و دوم در مورد اشخاص مهمی است که می‌بایست حتماً در هنگام خطر سقوط حزب یادولت وقت در مجلس حضور می‌داشتند اما در بستر بیماری بوده‌اند. ولی بالاخره باسلامتی کامل در جلسه حاضر شده‌اند.

علت حضور آنها را می‌توان به میل باطنی شدید خود آنها و حتی خواست و تمایل شدید حضار دانست که روان ناخودآگاه، آنها را به مجلس آورده و دوباره به بستر بیماری بازگردانده بدون اینکه کسی ردپای آنها را دنبال کرده باشد و یا کسی آنها را دقیقاً در بستر بیماری تحت نظر داشته باشد.

به اعتقاد نگارنده جسم در چنین صورتی نه تنها بیماری‌اش را فراموش می‌کند بلکه اگر آنرا به آتش هم بزنیم هیچگونه دردی احساس نمی‌نماید. این حالت در عمیقترین خلصه هیپنوتیزی نام سومنایویسیم (بمعنی راه رفتن در خواب) کاملاً به اثبات رسیده است. (۳۴)

اما رویداد سوم در مورد مهندسی است که خود را در پشت میز طراحی مشغول کشیدن طرحی می‌بیند که سالها برای کشیدن آن تلاش نموده بود اما موفق نشده بود و پس از چند لحظه که به جسم ثانوی خود خیره می‌شود، آن بدن روح مانند کم کم در فضا محو می‌شود. توضیح این رویداد نیز همانند تحلیلی که برای کارهای هوم در مورد تجسم بخشیدن به کالبد اختری‌اش ذکر کردم می‌باشد. البته این در صورتی است که مهندس مزبور در پی شهرت نبوده باشد.

رویداد چهارم و پنجم نیز نوعی برون فکنی معمولی است که نیازی به تجسد کالبد اختری هم ندارد. از آن جهت کلمه معمولی را بکار بردم زیرا برون فکنی در حالت بیداری در شرایط خاصی از زمان و مکان در هر فردی ایجاد

ناپلئون سوم و ملکه اوژن به اجراء آورد... در پایان نمایش دست معجزه‌گری روی یک کاغذ، کلمه ناپلئون را نوشت و امپراطور با اطمینان کامل اقرار کرد که دست نویسنده دست ناپلئون اول بوده است.»

اما ببینیم دانشمندان در مورد هوم چه نظری دارند. کروکس در اولین گزارش خود در مورد د.د. هوم در ژوئیه ۱۸۷۰ در نشریه فصلنامه علوم چنین می‌گوید:

«آمایشاتی که بر روی هوم انجام داده‌ایم به صورتی غیر قابل تردید این موضوع را مورد تصدیق قرار می‌دهد که نوعی جدید از انرژی که بصورت غیرمسترفی به ساختمان بدن انسان مربوط می‌گردد، وجود دارد که برای سهولت در بیان، می‌توان آنرا انرژی روحی نامید.»

کروکس برعکس عقیده روح‌گرایان (۳۳) بر این باور نبود که ارواح مردگان در قدرت و قابلیت هوم تأثیر دارند. کروکس معتقد بود که در کالبد آدمی نیروهای ناشناخته‌ای وجود دارد که تا به حال دانش بشری موفق به شناسایی آنها نشده است. [۴]

به اعتقاد نگارنده تجسدی که بر روی شانه هوم انجام گرفته به راحتی می‌تواند توسط روان ناخودآگاه او که شخصیت مستقلی از روان خودآگاه او دارد به منظور اینکه هوم را از انرژی روانی تازه بوجود آمده در او مطلع سازد انجام گرفته باشد. صدایی که شنیده نیز از طرف روان خودآگاه او بوده نه از ارواح جدیدی که با او دوست شده‌اند. اگر فرض کنیم ارواح از انرژی روانی هوم برای این تجسد استفاده نموده‌اند مدارکی برای رد آن موجود نمی‌باشد ولی برای این تحلیل، شواهد قاطعی هم تا به امروز به دست فراروانشناسان نیامده است. فراروانشناسان معتقدند اطلاعاتی که مدیوم ارائه می‌دهد نوعی ارتباط فراحسی با زندگان است. بطور مثال شناخت دست ناپلئون اول توسط ناپلئون سوم می‌تواند بصورت تله‌پاتی یا غیب بینی در اختیار روان ناخودآگاه هوم قرار گیرد و توسط تجسدی که





خودپدیده خود یا حوادث همزمان با مرگ در تعاریف پدیده‌ها توضیح دادم نهفته است. توضیح بیشتر اینکه هنگامی که حادثه‌ای برخلاف میل شدید آگاهانه ما بخواهد رخ دهد یا در شرف انجام باشد روان ناخودآگاه آنرا با واکنشهایی نشان می‌دهد یا بصورت تظاهراتی خفیف که جزء ESP محسوب می‌شود (همانند آمدن صحنه‌های وحشت آور در ذهن، تغییر شدید فشار خون، رنگ پریدگی، بغض در گلو، بی‌اراده اشک از چشم‌ها سرازیر شدن و...) یا بصورت تظاهرات قوی PK همانند شنیده شدن صداهای جیغ مانند، ناله‌های گریه، صدای کوبیدن به دیوار، صدای شکستن اشیاء یا برخورد واقعی آنها و حتی از کارافتادن وسایل مکانیکی یا الکتریکی همانند از کارافتادن ساعت. گزارش<sup>(۱۱)</sup> (معالجه و درمان از راه دور). در این گزارش نحوه‌ی معالجات یک شفابخش روحی اهل چین که اکنون در مالزی زندگی می‌کند بنام دکتر ماک نوشته شده است. بیماران او در کشورهایی مانند انگلستان، استرالیا، نیجریه و هزاران مایل آنطرف‌تر پراکنده هستند. این گزارش ثابت می‌کند که چگونه دعای خیر حتی از راه دور می‌تواند بر روی بیماری انسان تأثیر بگذارد همانطور که نفرین می‌تواند بر سلامتی انسان تأثیر بگذارد. (۲۶)

گزارش<sup>(۱۹)</sup> (وود<sup>(۳۷)</sup>) و مرده‌ای که به زندگی ادامه می‌دهد) در این گزارش مطالبی کاملاً ضدتوقیف نوشته شده است. معلوم نیست جادوگر قبیله وودو هموعاشش را می‌کشد یا زنده می‌کند. نویسنده در ابتدا چنین نوشته است: «جزیره‌ی هائیتی زادگاه فرقه جادوگر وودو گورستان مرده‌های زنده‌نما می‌باشد. وودو آئینی است که توسط پزشکان جادویی اجرا می‌شود. در دوره‌ی مخصوص از زمان [؟] پس از اینکه، کسی می‌میرد این روش جادوگرانه قادر است جسد او را دوباره بیرون بیاورد و به او حیات بخشد. بعد، این مرده زنده شده، به شخصی که سبب زنده شدنش شده است خدمت می‌کند اما تبدیل به آدم بی‌هوش و حواسی می‌شود که با زندگی قبلی خود متفاوت است.»<sup>(۳۸)</sup>

سپس نویسنده ادامه می‌دهد: «دانشمندان در سراسر دنیا کوشیده‌اند اسرار آئین جادویی وودو را کشف نمایند. دکتر ای. وید دیویس<sup>(۳۹)</sup> از دانشگاه هاروارد موفق شده پرده‌ای از روی راز عملیات وودو در هائیتی بردارد. او اعلام کرد که شیوه زنده کردن مرده، واقعاً وجود دارد... قربانیان جادوی وودو تحت تأثیر یک سم قرار می‌گیرند. این سم اگر به مقدار حساب شده و معینی مصرف شود،

کشنده نمی‌باشد اما در ضمن سبب بروز تمام نشانه‌های مرگ بالینی در فرد می‌شود. پزشک جادوگر در کاربردن این سم به مقدار دقیق و حساب شده مهارت زیادی دارد. اگر زیادت از اندازه داده شود قربانی رامی‌کشد و دیگر به هوش آوردنش امکان ندارد. همچنین مقدار لازم، البته کمتر از حد لازم آن نیز، نشانه‌های ظاهری یک مرده را بوجود نمی‌آورد.»

نویسنده در پایان گزارش ناقص خود چنین آورده است: «و آخر از همه کشف شده است. تمام اشخاصی که به مرده متحرک تبدیل شده‌اند از راه مسمومیت نمرده‌اند و طریقه یا طریقه‌های دیگری هم بوده است.»<sup>(۴۰)</sup> گزارش<sup>(۲۲)</sup> (الکتریسته در بدن انسان) به سه مورد از کسانی که برق در بدن آنها تولید می‌شود اشاره شده است. (قابل ذکر است که هیچیک از موارد مرد نیستند) مورد اول و دوم پس از مدتی خودپدیده خود بهبود می‌یابند. اما مورد سوم که از ۴۵ سالگی با علتی نامعلوم دچار این عارضه شده است تا آخر عمر بهبود نیافته است.

این گزارش نیز بار دیگر رابطه تنگاتنگ کالبد اختری با مغناطیس و الکتریسته را نشان می‌دهد و راه امید تازه‌ای برای کشف فرضیه علمی نهایی در مورد انرژی روانی می‌گشاید.

### نقد و بررسی دسته سوم گزارشات پدیده‌های طبیعت (PK)

گزارش<sup>(۱)</sup> (این همه را می‌ربایند و به کجا می‌برند؟) شامل ۳ رویداد ناپدید شدن دسته جمعی و ۵ رویداد ناپدید شدن انفرادی است. در رویداد اول (سال ۱۹۳۰) جمعیت یک روستا در کانادا، در رویداد دوم (سال ۱۸۸۵) ۶۰۰ سرباز فرانسوی در ویتنام و در رویداد سوم ۳۰۰۰ سرباز چینی در خود چین ناپدید می‌شوند. تحلیل این گزارش را در گزارش شماره ۱۰ بررسی می‌کنیم.

گزارش<sup>(۸)</sup> (آذرخش بینالی را بازمی‌گرداند) دو مورد یکی در آمریکا و دیگری در هند توضیح داده شده است. در پایان گزارش نویسنده نتیجه می‌گیرد، در هر مورد تنها عصب متصل کننده چشم به مغز فعال نبوده که صاعقه همانند شوک درمانی یا فیزیوتراپی عمل نموده و این عصب را فعال کرده است. حال بگردید دنبال پدیده ماوراءطبیعی.

گزارش<sup>(۱۰)</sup> (زمانی که از آسمان ماهی بارید) ابتدا سه مورد از باران ماهی نوشته شده سپس به بارانهای زرد و سرخ و سیاه و تگرگهایی به شکل صلیب و باران سنگهای

آسمانی پرداخته شده است. نویسنده متذکر شده بطور کلی هفده باران همراه با ماهی در نقاط مختلف دنیا گزارش شده که همراه با آنها صدف و حلزون و قورباغه و حتی سوسمار هم باریده است.

در مورد علت این رویدادها نویسنده چنین نوشته است: تندبادهای سریع السیر قادرند ماهی‌های کوچک را به صورت ستونهایی از آب از نواحی ساحلی و دریاچه‌های کم عمق (و رودخانه‌ها) بلند کنند و به جاهای دیگر منتقل نمایند. اما لیل واتسن<sup>(۴۰)</sup> در مورد این پدیده‌ها نظر دیگری دارد:

«در سراسر سیاره زمین هزاران مکان وجود دارد که میدان مغناطیسی آن دچار آشفتگی‌های زیادی است. در این مناطق هر چند وقت یکبار آشوب کاملی برپا می‌شود ارواح شریر پرت کردن اشیاء را آغاز می‌کنند، توهم‌های دیداری و بشقاب‌های پرنده ظاهر می‌شوند، انسانها و گاه وسایل نقلیه به صورتی غیر قابل توضیح ناپدید می‌شوند. آتش سوزی‌های اسرارآمیزی رخ می‌دهد و حالاتی از افسردگی یا جنون دسته جمعی اتفاق می‌افتد.

در این مکان‌ها تقریباً سوابقی طولانی از وجود شیاطین و هیولاها و خرابکاران در آنها روایت می‌شود. بررسی‌های کامپیوتری نشان می‌دهد باران قورباغه غالباً روزهای چهارشنبه، با تناوب شش تا نه سال یکبار می‌بارد. تناوب چنین رویدادهایی با اثر متقابل خورشید و ماه ازمانی که تغییرات فاحشی در میدان مغناطیسی زمین ایجاد می‌کنند»<sup>(۴۱)</sup> همخوانی دارد.

برای معتقدان به علوم غیبی<sup>(۴۲)</sup>، چنین مکانهایی که بنام مکانهای بدنام شهرت دارند، دروازه‌هایی هستند با پوشش اثیری که موجودات غیرانسانی می‌توانند از طریق آنها به درون زندگی ما راه یابند.

برای معتقدان به بشقاب‌های پرنده نیز این مکان‌ها پنجره‌هایی در آسمان‌اند که وسایل نقلیه فضایی از مکانهای فضا-زمانی دیگر به درون آنها پرواز می‌کنند. برای زیست شناسان سرگشته و حیران چون من نیز، این مکانها دستاویزهای سستی هستند برای پدیده‌های غیرحسی.»<sup>(۴۳)</sup>

گزارش<sup>(۱۴)</sup> (جایتینگا: خودکشی دسته جمعی پرندگان). جایتینگا نام محلی است در آسام هند که از روزگاران قدیم در دروه ثابتی از سال (در فاصله ده هفته از اواسط ماه آگوست تا اواسط ماه اکتبر) این خودکشی‌های دسته جمعی صورت می‌گرفته است. جریان خودکشی بدین صورت

است که نورهای درخشان پرنندگان بومی بخصوصی را که در شبها (حدود سه ساعت پس از تغذیه‌شان) به پرواز درمی‌آیند به خود جذب می‌کنند. این پرنندگان که بی‌حرکت و بی‌حال روی زمین می‌افتند. پس از ۲۴ ساعت جان می‌دهند و گاه تا چهار روز هم زنده می‌مانند اما دیگر چیزی نمی‌خورند حتی اگر آب و غذا یا دانه‌ای به آنها داده شود.

نویسنده از قول یک متخصص تحلیل جالبی از این پدیده دارد: «دکتر سن گوپتا براین عقیده است که شرایط آب و هوایی سبب ایجاد تغییراتی در خصوصیات مغناطیسی آبهای زیرزمینی این ناحیه کرده است.<sup>(۲۳)</sup> این تغییرات آهنگ فیزیولوژیکی و نظام درونی پرنندگان محلی را برهم می‌زند. از این رو یک مرتبه و ناگهانی رفتار ناهنجاری را نسبت به منابع روشنایی و نور شدید از خود نشان می‌دهند». گزارش ۱۶ (سنگواره زنده) ۳ رویداد از زنده شدن موجودات فسیل شده‌ای است که به طور اتفاقی پیدا شده‌اند. آخرین رویداد، مربوط به وزغی است که در هشت متری زیرزمین با قدمت ۲۰۰ میلیون سال پیدا شده است. تحلیل این رویدادها به قدری بجزغ است که نویسنده در پایان این گزارش چنین نوشته است: «مواردی یافت می‌شود که تنها دست خدای توانا، با ظرافت تمام از پس تمام تصورات و خیالات بیرون می‌آید و روشن و واضح اعلام می‌دارد که: تصمیم گیرنده من هستم و تنها خواست من حاکم است.» حال می‌رسیم به دو گزارش در مورد انتقام یا نفرین مومیایی‌های مصر. این پدیده جزء PK طبیعت به حساب آورده شده و در این دسته بررسی می‌شود. علت آن با تحلیلی که از این پدیده شده است کاملاً مشخص می‌شود. گزارش ۳ (مومیایی نفرین شده) داستان جوانی انگلیسی است که سرگذشتش توسط کف‌بین معروف جهان چپرو<sup>(۲۴)</sup> نیز پیش‌بینی شده بود. این جوان که با دوستانش برای تفریح به مصر می‌رود به عنوان یادگاری یک مجسمه مومیایی می‌خرد اما با خریدن این مجسمه در طی حوادثی دست جوان با فشرده شدن ناگهانه ماشه اسلحه‌اش و شلیک آن قطع می‌شود.

هر شخصی که به این مجسمه نزدیک می‌شود از نویسنده و باستان‌شناس ونقاش گرفته تا حیوانات یا دچار

مرگ می‌شوند یا بیماری و جنون. بالاخره مجسمه بخاطر دردسرهای زیادش بوسیله کشتی تایتانیک به آمریکا فرستاده می‌شود که بازهم باعث غرق شدن این کشتی در ۱۳ آوریل ۱۹۱۲ مطابق با ۲۵ فروردین ۱۲۹۱ می‌شود.

اما تحلیل این پدیده به نظر می‌رسد نیروی الکترومغناطیسی که مختل کننده انرژی حیاتی موجودات زنده است از این مجسمه ساطع می‌شده است، چون قرن‌ها در مرکز هرم، انرژی مغناطیسی جذب نموده است. البته به نظر نمی‌رسد مسوول غرق کشتی تایتانیک هم باشد. تحقیقات جدید نشان می‌دهد که شکل هرم طوری است که انرژی مغناطیسی اطراف خود را در مرکزش متمرکز می‌سازد. به همین دلیل است که در مرکز هرم تیغ تیز می‌شود و یا شیر فاسد نمی‌شود.<sup>(۲۵)</sup> هنگامی که این مجسمه از هرم بیرون آورده شده با هر تماس یا نزدیک شدن موجود زنده شروع به تخلیه انرژی ذخیره شده در خود نموده است ولی به دلیل جنسیت خاصی که داشته این انرژی حالت تخریبی بر روی انرژی حیاتی گذاشته است.

گزارش ۹ (انتقام وحشت‌بار یک مجسمه مومیایی) در ابتدای این گزارش چنین آمده است:

«کسانی که مجسمه‌های مومیایی را به نحوی دستکاری کرده‌اند، خراب کرده‌اند و یا از محل خود بیرون برده‌اند دچار سر‌نوشتمی گردیده‌اند.» تحلیل این گزارش نیز طبق آنچه برای گزارش ۳ گفته شد مشخص می‌شود.

**نقد و بررسی گزارشات دسته چهارم یوفوها (موجودات ناشناخته پرنده)**

گزارش ۱۲ (ظهور یک الهه مرموز) موجودی تقریباً به شکل انسان چندین بار از آسمان در دره‌ای در کشور پرتغال فرود می‌آید که در آخرین ملاقاتش از زمین ۷۰ هزار نفر شاهد آن بودند. به نظر می‌رسد این برخورد طبق آنچه در طبقه‌بندی پدیده‌های فراطبیعی یوفو گفته شد جزء برخورد نزدیک نوع سوم می‌شود.

گزارش ۲۰ (ساعت‌های از دست رفته). دو رویداد، یکی در انگلیس و دیگری در آمریکا توضیح داده شده است. در هر رویداد متخصصان پس از هیپنوتیزم کردن آنها متوجه

می‌شوند، آنها برخورد نزدیکی با یوفوها از نوع چهارم نوع ج داشته‌اند.

همانطور که در تحلیل گزارش ۱۰ گفته شد دکتر واتسن نیز همانند کارل گوستاو یونگ (روانکاو معروف) معتقد است احتمالاً تمامی این پدیده‌ها بوسیله روان ناخودآگاه جمعی از انسانها در مرتبه اثری طبیعت بوجود می‌آیند و احتمال اینکه این پدیده‌ها کاملاً مستقل از ذهنیات دیدارکنندگان باشد بعید به نظر می‌رسد. بخصوص اینکه وقتی مشاهده کنندگان یوفوها، به آنها بسیار نزدیک می‌شوند، چیزهایی را می‌بینند یا اطلاعاتی بدست می‌آورند که مهر تأییدی است بر باورها و ترسهای آنها. بطور مثال کیم آندرسون در کتاب دایره‌المعارف شگفتیها در این مورد چنین می‌نویسد: «نوع معاینات پزشکی آنها شبیه به معاینات پزشکی زمینی است. خون گرفتن از انسان برو برگرد ندارد. با کمال تعجب درون این سفینه‌ها چیزی جز دنده و دسته و دریاچه و سیم و حتی کامپیوترهای گنده مدل قدیمی هم پیدا نمی‌شود. البته چند چراغ چشمک زن هست حداکثر در حد فیلم جنگ ستارگان.» [۶]

به اعتقاد نگارنده نظر یونگ می‌بایست درست باشد زیرا فیلمها و بازیهای کامپیوتری و فشارهای روانی بسیار شدیدی که در اثر نحوه زندگی آمریکایی وجود دارد، سبب شده آمار این تصاویر بانجسدهات روحی روز به روز افزایش یابد. بطور مثال در سال ۱۹۸۸ در آمریکا ۱۰۰۰ مورد رؤیت یوفو به ثبت رسیده است در صورتی که در روسیه و چین که ۷ برابر جمعیت آمریکا را دارد در همین سال تنها ۲۰ مورد گزارش شده است. به علاوه از سال ۱۹۶۹ که مؤسسات خصوصی بسیاری در آمریکا و انگلیس به بررسی این موضوع پرداخته‌اند آمارها بخصوص آمار برخوردیهای نزدیک از نوع سوم و چهارم افزوده شده است و به نظر می‌رسد منافع این شرکت‌های خصوصی نیز در بالا رفتن این آمارها نقش داشته باشد. بطور مثال براساس آمار سازمان گالوپ که در نوامبر ۱۹۷۳ گرفته شده است ۵۱٪ مردم آمریکا آنچه بنام یوفوها نامیده می‌شود واقعیت می‌پندارند، ۱۱٪ از مردم که بیش از ۲۵ میلیون نفر می‌شود مدعی هستند حداقل یکی از انواع یوفوها را مشاهده کرده‌اند.

رتال جامع علوم انسانی



## معایب کتاب

۱- برای اکثر گزارشها تحلیلی آورده نشده است و نویسنده در بعضی از آنها خیلانش را راحت کرده و آنها را به ارواح نسبت داده است. تحلیل بعضی از گزارشهایی هم که آورده شده علمی نیست و در آنها از افراد نامعلوم و یا غیرمتخصص استفاده شده که تنها خواسته‌اند یک دلیلی بیاورند. در صورتی که در تحلیل گزارشها (بخصوص گزارشهای اتفاقی فراروانی که تنها ممکن است در طول قرن تنها یکبار اتفاق بیافتد) می‌بایستی افرادی که تجربه یک قاضی و دقت یک کارآگاه را دارند حضور داشته باشند و بدون تعصب این بررسی را انجام دهند و دلیلهای بی‌اساس برای تحلیلهای خود نیاورند. به طور مثال در گزارش ۹ (انتقام وحشت آور یک مجسمه مومیایی) تحلیل آن از قول آقای بنام لوئیس بولگارینی که معلوم نیست متخصص چیست و از کجاست و چه آزمایشاتی در منطقه انجام داده اینطور نوشته شده است: «امکان زیادی وجود دارد که مردم مصر قدیم برای حفظ مکانهای مقدس و مقبره‌هایشان از مواد رادیواکتیو استفاده می‌کرده‌اند... در چهار هزار سال پیش سنگ و خاکهای دارای رادیواکتیو در مصر زیاد بوده است و مردم آن زمان از وجود آنها از راه تجربه آگاه شده بوده‌اند.»

نویسنده بلافاصله با گفتاری حق به جانب این سوال را مطرح می‌سازد که پس چگونه کارگران و معماران توانستند این همه مقبره بسازند و از اثرات مهلک آن جان بدر ببرند؟

و یا در تحلیل گزارش ۶ (پریان گائینگلی) سردبیر مجله‌ای در لندن دو عکس بزرگ شده (پریان) را از ادوارد گاردنر (پدر دخترهایی که عکس را گرفته‌اند) گرفت و به کارشناسان خود [؟] در امور ماوراءطبیعی و ارواح نشان داد. آنها بدون مطالعه و بی‌درنگ عکس را ساختگی و دروغین محسوب کردند... سردبیر عکس را گرفت و نزد متخصص فنی دیگری [؟] که می‌شناخت برد. او با تاکید و اطمینان کاملی اظهار کرد که عکس‌ها از وجود واقعی فرشتگان کوچک گرفته شده است. او اضافه کرد که نشانه‌های حرکت در اندام پریان [؟] هنگام گرفتن عکس (با سرعت کمی که در آن زمان دریا و بسته شدن دریچه نورعدسی دوربین بوده است) کاملاً مشهود می‌باشد. [؟] به اعتقاد نگارنده این متخصص اگر این مسئله را به ذهنی بودن تصویر نسبت می‌داد منطقی‌تر بود تا حرکت سریع پریان!

۲- عنوانهایی که برای گزارشات انتخاب شده کاملاً تخیلی و مبالغه‌آمیز است. متن اکثر گزارشها اگر نگوییم در صداقت آنها شبهه‌ای وجود دارد می‌توان گفت به شکلی

مبالغه‌آمیز نوشته شده‌اند، بطوریکه تحلیل علمی از آنها را کاملاً مخدوش می‌سازد و در بعضی موارد غیرممکن می‌نماید یکی از علل این امر شاید به این مسئله بازگردد که گزارشهای این کتاب قدیمی است و تا پیش از تشکیل دو انجمن پژوهشهای فراروانی در انگلیس و آمریکا (بترتیب در سال ۱۸۸۲ به ریاست دکتر سیجویک<sup>(۲۶)</sup> و در سال ۱۸۸۵ به ریاست دکتر ویلیام جیمز<sup>(۳۷)</sup>) پژوهشهای نقادانه مستمری بر روی این داستانها و گزارشها صورت نمی‌گرفت تا مشخص شود که در پس آنها آیا واقعا پدیده‌های فراطبیعی رخ داده است یا خیر.

۳- در اکثر گزارشها القاء افکار و اعمال نظر غربیان در مورد مسایل سیاسی و اجتماعی نیز به چشم می‌خورد از جمله در گزارش ۷ (دنیای جادویی دانیل هوم) روحی نامرئی را که هوم در یکی از جلسات نزد دکتر ویل کینسون و دخترش در انگلستان برای نواختن آکاردئون احضار می‌نماید با همراهی آکاردئون آهنگی موزون را چنین زمزمه می‌کند: «خدا شاه را به سلامت دارد، خدا هوم را، هوم محبوب را به سلامت دارد.»

## نتیجه گیری

علم بدون آنکه نیازی به شهود داشته باشد، عقلا نه‌ترین نظام‌ها می‌باشد اما امروز شاید بتوان گفت تمامی دانشمندان به این نتیجه مهم رسیده‌اند که علم همانقدر که به خرد متکی است به تخیل هم نیاز دارد. (این امر بخصوص پس از کشف فرمول نسبیت بوسیله تخیل قوت بیشتری گرفت.)

دانشمند امروز نیز همانند نویسنده دیروز می‌داند که تخیل، بدیهه‌گویی و اشراق نیز به اندازه تفکر منطقی اهمیت دارد. قرن‌ها بود که دانشمندان عالم ناهوشیار و حتی نیمه هوشیار را بی‌ارح کرده بودند و به دانشجویان، دانش‌آموزان و حتی کودکان اجازه نمی‌دادند با تنها سلاح مؤثر یعنی تخیل خلاق و انعطاف‌پذیر، علیه ناشناخته‌ها مجهز شوند.

امروزه دانشمندان متوجه شده‌اند کسانی که منکر ادبیات تخیلی هستند و از ابتدای کودکی و نوجوانی به آنها اجازه نزدیک شدن به این مسائل داده نشده، در درک فیزیک پس از نیوتونی (یعنی فیزیک انشتینی و کوانتومی) دچار مشکلات زیادی می‌شوند.

اگر به این کتاب از این دید نگریسته شود باز هم نمی‌توان نگارش آنرا قابل قبول دانست زیرا تخیل باید در خدمت تعادل و زیبایی باشد. به اعتقاد نگارنده نویسندگان، مترجمان و ناشران می‌بایست تعهد علمی در خود احساس

نمایند و کتبی را تألیف ترجمه و چاپ نمایند که به روحیه علمی و تعادل فکری و حس زیبایی‌شناسی خوانندگان کمک کند نه اینکه آنها را به طرف دنیایی سوق دهد که پر از هرج و مرج است و در آن ممکن است هر نوع معجزه‌ای رخ بدهد و چند ماهه فردی با ارتباط با ارواح پولدار شود یا روحی باکسی دوست شود و بدین صورت مشهور شود یا یوفوها کسی را به سیارات دیگر ببرند و خوشبخت بشود و خلاصه محالترین آرزوهایش برآورده شود.

به هر حال امروزه فراروانشناسان ارتباط تنگاتنگی بین بخش غیرمادی ما با انرژی‌های قابل اندازه‌گیری در طبیعت کشف نموده‌اند. بطور مثال میدان مغناطیسی پیرامون بدن خانم نیلیمیکائیلووا<sup>(۳۸)</sup> یکی از مشهورترین افراد در دور جنبشی به حدی زیاد است که با یکدهم میدان مغناطیسی کره زمین قابل مقایسه است. [۵]

عملکرد مغز انسان به نوعی است که هر مسئله ذهنی را تبدیل به یک مسئله حسی می‌کند و تحلیل‌های نوشته شده برای تمامی گزارش‌های این نقد حاکی از این است که ما نباید قدرت ذهن را در خلق آثار فراطبیعی و حتی یوفوها دست کم بگیریم. ذهن ما می‌تواند در بعضی شرایط الکترومغناطیسی زمین، بخصوص در مکانهایی که آشفتگی‌های مغناطیسی بیشتر است، اجسامی را خلق نماید که حتی بر روی صفحه رادار و فیلم‌های عکاسی نیز واقعی باشد و هرچه ذهنیت روان ناخودآگاه اطرافیان ما در ایجاد آن پدیده‌ای که روان ناخودآگاه ما می‌خواهد آنرا بوجود بیاورد، با یکدیگر همخوانی بیشتری داشته باشد آن پدیده به احتمال و قوت بیشتری بروز می‌کند (در این مقاله، نگارنده اصطلاح روان ناخودآگاه جمعی یونگ را که به این مفهوم نزدیکتر است برگزیده است) عامل این تظاهرات بیرونی اغلب ذهن ناهشیار قلمداد می‌شود که به نظر می‌رسد می‌خواهند امیال و آرزوها و گاه فجایی را که درون ما می‌گذرد به ما نشان دهند. روان ناخودآگاه جمعی ما هنگامی که هیولاها و گودزیلاهایی را که به خوردش دادیم به ما نشان می‌دهد با زبان بی‌زبانی به ما می‌فهماند که می‌بایست خود را به محیط امن‌تری برسانیم و اگر فرشته‌ای را به ما می‌نمایند به ما می‌گویند که در محیط سالمی بسر می‌بریم. همانطور که رؤیاها با ما صحبت می‌کنند این تجسدها نیز خبر از آینده یا گذشته ناهنجار یا هنجار را می‌دهند.

امروزه در سایه آزمونهایی که در مجهزترین آزمایشگاه‌های جهان، توسط برجسته‌ترین دانشمندان عصر ما صورت گرفته است بسیاری از پدیده‌های ارواح، ارتباط



ویلیام کروکس دانشمند  
و کاشف عنصر تالیم  
در اولین گزارش خود در مورد  
دانیل هوم چنین می نویسد:  
آزمایشاتی که بر روی هوم  
انجام داده‌ایم

به صورتی غیرقابل تردید این موضوع  
را مورد تصدیق قرار می دهد  
که نوعی جدید از انرژی که  
بصورت غیرمتعارفی  
به ساختمان بدن انسان  
مربوط می گردد،  
وجود دارد که برای سهولت در بیان،  
می توان آنرا انرژی روحی نامید



برون فکنی کالبد اختری  
در شرایط خاصی از زمان و مکان  
(بخصوص قبل از بیدار شدن از خواب)  
در هر فردی ایجاد می شود  
و به استعداد خاصی  
نیاز ندارد

براساس آخرین تحقیقات  
در وجود هر یک از ما  
مقداری از استعدادها و قدرتهای  
روحي نهفته است  
که در بعضی اشخاص به میزان  
بیشتری وجود دارد

تحلیلهایی که در این مقاله (یا هر کتاب روح شناسی دیگری) آمده تنها  
نظرات شخصی است و از یک فرضیه علمی نشأت نگرفته است.

۳۵. Joan Norkot

۳۶- شفا بخشی روحی بویژه در یکصد سال اخیر در قالب علوم  
مسیحیت در جهان روبه گسترش است و روز بروز کتابهای پر حجم تر  
و علمی تری در این زمینه به چاپ می رسد. [۴]

۳۷. Woodoo

۳۸- حرف زدن و بی هوش و حواس بودن این افراد که زامبی  
Zombie (مرد زنده شده بی حواس) گفته می شود شاید بدین علت  
باشد که آنها بوسیله روان ناخود آگاه خود کنترل می شوند و تمام کارهای  
آنها غیر ارادی است .

۳۹. E. Wade Davis

۴۰. Lyall Watson

۴۱- این عقیده کاملاً با تحلیلهای قبلی سازگار است و اگر درست  
باشد یک قدم دیگر نیز ما را به فرضیه نهایی (در مورد انرژی روانی)  
نزدیک می کند.

۴۲- به علوم غیبی، علوم غریبه یا علوم خفیه Occult Sciencess  
هم می گویند.

۴۳- تحقیقات جدید نشان می دهند که لکه های دوره ای خورشید  
علاوه بر تغییرات الکترومغناطیس جو زمین، سبب تغییرات آب و هوایی  
(دوره های ۱۱ ساله) نیز می شوند. بنابراین آشفتگی میدانهای مغناطیسی  
جانبیگامی می تواند علاوه بر غلغل درونی زمینی، علل خورشیدی هم داشته  
باشد که همگی به هم وابسته اند.

۴۴. Cheiro

۴۵- امروزه هر صدهای تیغ تیز کنی و بیمارستانهای هرمی شکل برای  
بهبود سریعتر بیماران، به همین منظور ساخته می شوند.

۴۶- Henry Sidgwick: استاد فلسفه در دانشگاه کمبریج  
انگلستان، پایه گذار انجمن پژوهشهای روانی.

۴۷- البته William James فیلسوف و روانشناس آمریکایی یکی  
از روسای این انجمن بود. او پایه گذار نخستین آزمایشگاه روان شناسی  
در آمریکا است. همچنین نظریه اصالت عمل یا عمل گرایی (پراگماتیسم)  
را او ارائه داد و به صورت یک مکتب فلسفی درآورد.

۴۸. Nelya Mikhailova

۷. Yvonne Castellan

۸- ماه خذ شماره دو صفحه ۱۳۳.

۹. Extra. sensory perception (ESP)

۱۰. Psycho. Kinesis (PK)

۱۱. Unidentified Flying Object (UFO)

۱۲. Telepathy

۱۳. Clairvoyance

۱۴. Psychometry

۱۵. J. B. Rhine

۱۶- پیش بینی یا پیش آگاهی Precognition درک برخی از وقایع  
آینده که ممکن است یک عمل، یک اندیشه یا یک هیجان باشد. [۵]

۱۷. Tele. Kinesis (TK)

۱۸- عکاسی روانی فکری یا اندیشه نگاری Thought. graphy

۱۹. Spontaneous Psycho. Kinesis

۲۰. Poltergeist

۲۱- این عمل جراحی روحی گفته می شود که بیشتر در  
شفا بخشهای قبلی بینی دیده می شود.

۲۲. Esoteric

۲۳. Robert James Lees

۲۴. Somatic Level

۲۵. Etheric level

۲۶. Astral level

۲۷- این سطوح از فلسفه یوگا گرفته شده اند که برای انسان هفت  
مرحله قائل است. سطح جسمانی مرحله اول، سطح اثیری مراحل دوم و  
سوم و بقیه مراحل مربوط به سطح اشاره ای است که مراحل چهارم تا  
ششم مربوط به ذهن و مرحله هفتم مختص روح قلمداد می شود.

۲۸- البته شخص باتمیرین می تواند با روان خود آگاه نیز محل و زمان  
حرکت و نحوه حرکت کالبد اختری را تعیین کند.

۲۹. Ted syrius

۳۰. Jule Eisenwood

۳۱. Colorado

۳۲. Daniel Dungal Home

۳۳. Spiritualist

۳۴- همانطور که در مقدمه ذکر شد تا زمانی که در مورد انرژی روحی  
فرضیه علمی کشف نشود هر گونه اظهار نظری، هم می تواند درست باشد  
هم نادرست. بنابراین خوانندگان باید توجه داشته باشند مقایسه ها و

با ارواح، تجسد ارواح (یا ماتریالیزه شدن اکتویلاسم) تا  
حدود زیادی قابل تفسیر شده اند، هر بند تا رسیدن به  
فرضیه نهایی راه درازی در پیش دارد.

تحقیقات در زمینه میکرو PK با کنترل گایگر  
(شمارنده ذرات ساطع شده از یک تکه نیترا اورانیوم)  
ثابت کرده است که اکثر سوژه ها می توانند بر روی سرعت  
پرتاب الکترون اثر بگذارند. براساس آخرین نظریه ها در  
وجود هر یک از ما مقداری از استعدادها و قدرتهای روحی  
(برحسب نوع بدن و سرشت درونی فرد) نهفته است که  
در بعضی اشخاص این قدرتها و استعدادها روحی به  
میزان بیشتری وجود دارد. بهرحال بحث درباره این نیروی  
اسرار آمیز، بسیار مشکل است و در حال حاضر تأسف آور  
است که از وجود چنین نیروهائی تنها در بدن برخی از  
انسانها مطلع هستیم.

## منابع و ماخذ

۱- طالب زاده، حمید. کتاب درسی فلسفه (دوره پیش دانشگاهی  
رشته ادبیات و علوم انسانی)، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۲- کاستلان، ایون فرارواشناسی، ترجمه شهرنوش پارسا پور،  
چاپ اول، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.

۳- علیخواه، محمدمهدی، پدیده های روانی، چاپ اول، انتشارات  
جمال الحق، ۱۳۷۰.

۴- روگو، اسکات، اثر روان بر ماده، ترجمه رضا جمالیان، انتشارات  
جمال الحق، ۱۳۷۳.

۵- ایزنگ، برادو؛ واتسن و... اثر روان بر ماده، ترجمه محمدرضا  
غفاری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.

۶- آندرسون، کیم، دایره المعارف شگفتیها، ترجمه کامران جولایی،  
انتشارات جویا، ۱۳۷۵.

۷- مولدون، سیلوان، برون فکنی کالبد اختری، ترجمه مهران  
کندری، نشر میترا، ۱۳۷۵.

## پانویس ها

۱. Super. natural

۲. Para normal

۳. Metaphysic

۴- برای مطالعه بیشتر به ماخذ شماره یک مراجعه کنید (شماره های  
داخل قلاب شماره ماخذ می باشد.)

۵- حتی لاتین سوخدف براساد در این کتاب نوشته نشده و اصلاً  
معلوم نیست این فرد از چه منابعی برای تهیه کتاب استفاده کرده  
است .

۶. Para. psychology

